



An analysis of the Principle of Good Faith in the Legal and Narrow Interpretation of International Treaties

Ali Nikjou^{1*}, Jaber Noori²

1. PhD Student of International Law, Department of Law, Payam Noor University, Tehran, Iran

2. Master's Degree Student, Department of Law, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Ilam, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 451-468

Article history:

Received: 8 Feb 2024

Edition: 12 Apr 2024

Accepted: 20 Jun 2024

Published online: 5 Nov 2024

Keywords:

good faith, commitments, law interpretation, international3

Corresponding Author:

Ali Nikjou

Address:

Iran, Tehran, Payam Noor University,
Department of Law.

Orchid Code:

Tel:

Email:

nikjou_ali@ymail.com

ABSTRACT

Background and Aim: The principle of good faith appears in various dimensions after the conclusion of international treaties. By accepting this principle in different legal systems, ideas based on altruism are evolving in the international arena. Interpretation will be useful when it is legal and limited and consistent with the plain meaning of the words and the context of the treaty. The purpose of this research is to explain the role of good faith in the interpretation of international treaties.

Materials and Methods: The research method is descriptive and analytical using library resources.

Ethical Considerations: In the upcoming research, it has been carried out by maintaining the originality of the content and respecting the principle of fairness and trustworthiness.

Findings: In this research, it is observed that although the principle of good faith by imposing some requirements on the parties to the treaty, provides the possibility of expanding the scope and content of the obligations of the treaty, but this concept allows the court to introduce obligations beyond the obligations known in that category. It does not give the treaties.

Conclusion: In this treaty, good faith takes care from within, while justice from outside and from a higher position oversees its faithful execution. The treaty supervises its correct and honest implementation, but justice has the queen of piety, which makes the commitment of the parties to be fulfilled, because it requires piety before any commitment, which piety prevents non-fulfillment of commitments.

Cite this article as:

Nikjou A, Noori J. An analysis of the Principle of Good Faith in the Legal and Narrow Interpretation of International Treaties. *Economic Jurisprudence Studies*. 2024.



تحلیلی بر اصل حسن نیت در تفسیر قانونی و مضیق از معاهدات بین‌المللی

علی نیکجو^{۱*}، جابر نوری^۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲. دانش‌آموخته دوره کارشناسی ارشد، گروه حقوق، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: اصل حسن نیت پس از انعقاد معاهدات بین‌المللی در ابعاد گوناگون نمود می‌یابد. با پذیرش این اصل در نظام‌های حقوقی مختلف، اندیشه‌های مبتنی بر نوع دوستی در عرصه بین‌الملل در حال تحول است. تفسیر زمانی مفید خواهد بود که قانونی و محدود بوده و با معنای روان واژگان و سیاق معاهده هم‌خوانی داشته باشد. هدف این پژوهش، تبیین نقش حسن نیت در تفسیر معاهدات بین‌المللی است. **مواد و روش‌ها:** روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای می‌باشد. **ملاحظات اخلاقی:** در پژوهش پیش رو با حفظ اصالت محتوا و با رعایت اصل انصاف و امانت داری انجام پذیرفته است.

یافته‌ها: در این پژوهش، مشاهده می‌گردد که هرچند اصل حسن نیت با تحمیل برخی الزامات به طرفین معاهده، امکان گسترش دامنه و محتوای تعهدات معاهده را فراهم می‌آورد، این مفهوم به دادگاه اجازه معرفی تعهداتی فراتر از تعهدات شناخته شده در آن دسته از معاهدات را نمی‌دهد.

نتیجه: در این معاهده، حسن نیت از درون مراقبت می‌کند؛ درحالی‌که عدالت از بیرون و از جایگاهی بالاتر به اجرای صادقانه آن نظارت می‌کند. معاهده بر اجرای صحیح و صادقانه آن نظارت می‌کند؛ اما عدالت ملکه تقوی را دارد که باعث می‌شود به تعهد طرفین عمل شود چون قبل از هر تعهدی نیاز به تقوی دارد که تقوی مانع عدم اجرای تعهدات می‌شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۴۵۱-۴۶۸

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۹

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۱/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۸/۱۵

واژگان کلیدی:

حسن نیت، تعهدات، تفسیر قانون، بین‌الملل.

نویسنده مسئول:

علی نیکجو

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه پیام نور، گروه حقوق.

کد ارکید:

تلفن:

پست الکترونیک:

nikjou_ali@ymail.com

۱. مقدمه

یکی از علل اصلی اختلافات بین‌المللی، اختلاف بین کشورها در تفسیر معاهدات است. مراجع ذیصلاح تفسیر باید حداقل قواعد ثابتی را که اصول و قواعد تفسیری نامیده می‌شود، مبنای استدلال خود قرار دهند. این اصول و قواعد راهنمای مفید و کاربردی برای مراجع تفسیری است. یکی از این اصول حسن نیت است که از اصول مهم حقوق بین‌الملل به‌شمار می‌رود. این اصل بر تمامی زمینه‌های روابط بین‌الملل به‌ویژه در تفسیر معاهدات حاکم است. تفسیر معاهدات بین‌المللی بسیار مهم است. سوالی که در این تحقیق با آن روبه‌رو هستیم این است که حسن نیت در تفسیر معاهدات بین‌المللی چه کاربردی می‌تواند داشته باشد؟ که در پاسخ به نظر می‌رسد که کاربرد حسن نیت در تفسیر قانونی و مضیق از معاهدات بین‌المللی می‌تواند باعث تسهیل در مراودات بین‌المللی گردد. هنگام تصویب یک قانون، نهادی که مسئول تفسیر آن است باید وظایف خود را انجام دهد. با عنایت به اینکه تاکنون پژوهش مستقلی در خصوص حسن نیت در تفسیر قانونی و مضیق از معاهدات بین‌المللی انجام نپذیرفته است. لذا این پژوهش در نوع خود دارای نوآوری می‌باشد. در غیر این صورت، منافع طرفین در معاملات تحت تأثیر قرار می‌گیرد و هر فرد به‌دنبال بهره‌برداری برای خودش خواهد بود. تأویل بر اساس حسن نیت طرفین، مبنای تفسیر قرارداد هنگام امضاء آن خواهد بود. بنابراین، لازم است یک سری اصول پیش تعیین‌شده برای تفسیر معاهده‌ها وجود داشته باشد تا تفسیر بر اساس یک ماده قانونی صورت گیرد و اعتبار آن حفظ شود. قراردادهای بین‌المللی که بین کشورها منعقد می‌شوند، هم‌چنان به همین شکل

عمل خواهند کرد و رسیدن به اهداف مندرج در معاهده با تحرکات طرفین در نظر گرفته می‌شود. نهادی که مسئول تفسیر معاهده است باید بر اساس همان انگیزه طرفین، یعنی حسن نیت، تفسیر را انجام دهد. در غیر این صورت، کشوری که خسارت به وجود آمده است، می‌تواند شکایت خود را به کنوانسیون وین که به‌عنوان مرجع برای تخلفات در معاهده‌های بین‌المللی در نظر گرفته شده است، ارائه دهد. همه قوانین وضع شده نیاز به تفسیر دارند و اگر مرجع مفسر این کار را به درستی انجام ندهد، می‌تواند منشأ بسیاری از مشکلات بین طرفین معاهده باشد. بنابراین در همه معاهدات، بخشی در مورد تفسیر معاهده وجود دارد. گاهی حسن نیت سبب ایجاد ضرر برای شخص متعهد می‌شود به موجب قانون در برخی موارد قانون این اجازه را به متعهد داده است تا از اجرای بخشی جزئی از قرارداد خودداری کند اگر طرف مقابل نداشتن حسن نیت متعهد را بهانه‌ای او برای عدم اجرای کامل قرارداد بداند در این صورت حسن نیت سبب ایجاد ضرر برای شخص متعهد خواهد بود، در واقع حسن نیت در اینجا مانع از اجرای قرارداد نخواهد بود. چراکه طبیعت ذاتی حسن نیت برای ایجاد تعادل در قرارداد و جلوگیری از خودکامگی طرفین در اجرای قرارداد می‌باشد. در این مورد صرفاً به متعهد اجازه داده می‌شود تا بخشی از قرارداد را که از نظر وی تأثیر زیادی در منافع طرف مقابل قرارداد را نداشته باشد انجام ندهد. اگر فروشنده به‌دنبال سوء استفاده از این وضعیت باشد و سعی کند از اجرای بخش اساسی قرارداد خودداری کند متعهدله می‌تواند اجرای کامل قرارداد را از وی خواستار شود و ضرر و زیان وارده را

صورت گیرد و اعتبار آن حفظ شود. قراردادهای بین‌المللی که بین کشورها منعقد می‌شوند، همچنان به همین شکل عمل خواهند کرد و رسیدن به اهداف مندرج در معاهده با تحرکات طرفین در نظر گرفته می‌شود. نهادی که مسئول تفسیر معاهده است باید بر اساس همان انگیزه طرفین، یعنی حسن نیت، تفسیر را انجام دهد. در غیر این صورت، کشوری که خسارت به وجود آورده باشد، می‌تواند شکایت خود را به کنوانسیون وین که به‌عنوان مرجع برای تخلفات در معاهده‌های بین‌المللی در نظر گرفته شده است، ارائه دهد. با ملاحظه مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط انجام‌شده، مهم‌ترین وجه نوآورانه پژوهش حاضر را می‌توان در توجه خاص به حسن نیت در تعهدات بین‌المللی در وهله نخست و تفسیر قانونی و مضیق از معاهدات بین‌المللی با آن در وهله بعدی قلمداد نمود.

در زمینه پیشنهاد پیشینه تحقیق در اصل حسن نیت در تفسیر قانونی و مضیق از معاهدات بین‌المللی حسن نیت می‌توان گفت تا کنون پژوهش‌هایی صورت گرفته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

میرقاسم جعفرزاده و حسین سیمائی صراف، در مقاله «حسن نیت در قراردادهای بین‌المللی: قاعده‌ای فراگیر یا حکمی استثنایی» (بهار و تابستان ۱۳۸۴) در مورد حسن نیت در اجرای قراردادهای بین‌المللی به این امر اشاره نموده‌اند که «اصل حسن نیت در اجرای قراردادها که از حقوق روم باستان اقتباس شده است، در قرن پنجم و ششم/ یازدهم و دوازدهم در تجارت کشورهای اروپایی نمود بیشتری یافت و اکنون در نظام حقوقی بسیاری از کشورها، چه در گروه حقوق نوشته چه گروه حقوق عرفی، با تفاوت

جبران کند. اجرای قاعده عدم اجرای بخشی از معاهده نباید از روی سوء نیت و به قصد منفعت بیشتر متعهد صورت بگیرد. زیرا حسن نیت به‌دنبال تعدیل در قرارداد می‌باشد، متعهدله نیز نباید از این وضعیت سوء استفاده کند و در صورتی که قسمت اصلی و مورد توافق طرفین در قرارداد اجرا شد و هدفی که طرفین از انعقاد قرارداد دنبال می‌کردند محقق شد به بهانه عدم اجرای تعهد معامله را رد کند در اینجا حسن نیت به عنوان عاملی اساسی در تعدیل قراردادها سعی در حل تعارض موجود دارد، در صورتی که متعهد از روی قصد به دنبال دستیابی به منافع بیشتر و متضرر شدن متعهدله از منافع کامل قرارداد اجرای بخش اصلی را به بهانه جزئی بودن رد کند در این صورت متعهدله می‌تواند اجرای قرارداد را رد کند. در این راستا مرجع تفسیر باید اصل حسن نیت را در تمامی مراحل تفسیر مد نظر قرار دهد. تفسیر با حسن نیت، تفسیری است که با قصد طرفین مطابقت داشته باشد و با معنای عادی کلمات و سیاق معاهده مطابقت داشته باشد. در صورتی که تفسیر فاقد چنین شرایطی باشد، طرفی که متضرر شده می‌تواند بر اساس ضوابط کلی مربوط به معاهده مذکور در کنوانسیون وین، به ادعای رفتار متقلبانه طرف مقابل، قرارداد را فسخ کند. در همین راستا هنگام تصویب یک قانون، نهادی که مسئول تفسیر آن است باید وظایف خود را انجام دهد. در غیر این صورت، منافع طرفین در معاملات تحت تأثیر قرار می‌گیرد و هر فرد به‌دنبال بهره‌برداری برای خودش خواهد بود. تأویل بر اساس حسن نیت طرفین، مبنای تفسیر قرارداد هنگام امضاء آن خواهد بود. بنابراین، لازم است یک سری اصول پیش تعیین شده برای تفسیر معاهده‌ها وجود داشته باشد تا تفسیر بر اساس یک ماده قانونی

را با حسن نیت انجام داده اند یا خیر، مستلزم اثبات سوءنیت خواننده از سوی خواهان نیست».

نقطه قوت این پژوهش این است که نگارنده حسن نیت و آثار آن را در کلیه مراحل قراردادهای بین-المللی از جمله مرحله انعقاد، تفسیر و اجرا به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار داده است و در نتیجه به این امر اشاره می نماید که هر قرارداد بین المللی در همه مراحل خود انتظارات خاصی را درباره اجرای آن برای طرفین ایجاد می کند که اگر این انتظارات معقول و متعارف بوده، باید برآورده شوند. زیرا اینها همان اهدافی است که هنگام انعقاد قرارداد، طرفین مدنظر داشته اند. البته این انتظارات باید مورد تراضی طرفین بوده و منافاتی با مفاد صریح قرارداد نداشته باشند و رعایت اصل نیت نیز یکی از آن انتظارات معقول و متعارف می باشد. با این حال آنچه که اگرچه در پژوهش مذکور به تفصیل به جایگاه حسن نیت و آثار آن در کلیه مراحل انعقاد قرارداد پرداخته شده است و نتیجه گیری قابل قبولی نیز از سوی نگارنده مطرح گردیده است؛ اما هم چنان در این پژوهش نیز مانند پژوهش پیشین اصل نیت در حقوق داخلی مورد توجه و بحث قرار نگرفته است؛ در حالی که نگارندگان مقاله حاضر به طور خاص به میزان توجه به این اصل و آثار آن در حقوق داخلی خواهند پرداخت و قوانین و رویه های قضایی موجود را در زمینه رعایت صریح یا ضمنی این اصل مورد بررسی و کنکاش قرار می دهند.

در بخشی از پژوهش دیگری با عنوان «بررسی تطبیقی حسن نیت در اصول حقوق قراردادهای اروپا، اصول قراردادهای تجاری بین المللی و حقوق ایران» نوشته خدیجه سجادی (۱۳۹۰) آمده است که

در گستره کاربرد، به گونه ای وسیع اعمال می شود، از جمله در قوانین بیمه، مالیات، حقوق کار، ورشکستگی، تصرف در اموال و خرید و فروش»

نقطه قوت این پژوهش در این است که نگارندگان ابتدا به پیشینه اصل حسن نیت در اجرای قراردادها پرداخته اند و سپس این اصل را در قراردادهای مختلفی که میان دولت ها یا شرکت های خصوصی در سطح بین الملل منعقد می گردد از منظر عرفی و حقوقی مورد بحث و بررسی قرار داده اند. با این حال اگرچه در زمینه پیشینه بین المللی ارجاع به اثر مذکور مفید فایده می باشد. در این اثر به اصل حسن نیت و جایگاه آن در حقوق ایران اشاره ای نشده است. لذا آنچه نگارندگان در پژوهش حاضر به آن خواهد پرداخت جایگاه حسن نیت در قوانین داخلی می باشد و آنچه لزوماً مورد بحث قرار می گیرد توجه به اصل حسن نیت در مرحله اجرای قراردادهای داخلی است و نه آنچه به عنوان حسن نیت در سطح بین الملل مورد توجه عرفی و حقوقی قرار می گیرد و برای طرفین لازم الرعایه می باشد.

یحیی ابراهیمی در مقاله «مطالعه تطبیقی مفهوم و آثار حسن نیت در انعقاد، تفسیر و اجرای قراردادها حقوقی بین المللی» (۱۳۸۸) به این امر اذعان نموده است که «چنان که یکی از طرفین از اختیارات خود به گونه ای استفاده کند تا امتیازاتی را که به موجب قرارداد از آن ها صرف نظر کرده دوباره به دست آورد و این زمانی است که بدون یک دلیل متعارف، نتیجه قرارداد را به گونه ای اساسی تغییر دهد؛ اما حسن نیت در اجرا به تحقق اهداف معقول در هنگام انعقاد قرارداد، در نظر دارد. اینکه آیا طرفین تعهدات خود

سایر کشورها و تأثیر آن‌ها بر حقوق ایران صرفاً و به گونه‌ی خاص به وجود یا عدم این اصل در قراردادهای داخلی پرداخته‌اند و به گونه‌ی تفصیلی چالش‌های موجود در زمینه را در متون حقوقی داخلی مورد بحث و بررسی قرار دهند.

در پژوهش دیگری با عنوان «اصل حسن نیت در قراردادهای در فقه امامیه و حقوق ایران» نگاشته شده توسط مرضیه نیک‌پور (۱۳۹۰) آمده است که «ضرورت توسعه‌ی اصل حسن نیت در حقوق ایران با توجه به مبانی فقهی آن موجب استحکام روابط قراردادی می‌شود که همانا امروزه رو به افزایش است و در نظر گرفتن ضمانت اجرایی برای نقض تعهدات قراردادی مبتنی بر اصل حسن نیت موجب امنیت بیشتر برای حفظ روابط قراردادی می‌گردد. در نظام حقوقی ایران وضع قانونی که به هدف گسترش حسن نیت در قراردادهای تا جایی که با شرع و حقوق اسلامی منافات نداشته باشد ضروری به نظر می‌رسد».

نقطه‌قوت این پژوهش در آن است که اولاً نگارنده اصل حسن نیت را از منظر فقه امامیه که منبع مستقیم قوانین داخلی می‌باشد مورد بحث و بررسی قرار داده است و از سوی دیگر به بررسی این اصل در حقوق داخلی پرداخته است. با این حال آنچه نگارندگان حاضر بر آن هستند که به آن پردازند توجه به این اصل به‌طور خاص و مشخص در مرحله‌ی اجرای قراردادهای می‌باشد و نه در سایر مراحل شکل‌گیری و وجود قراردادهای و از سوی دیگر آثار وجود یا عدم این اصل در مرحله‌ی اجرا از منظر قوانین داخلی به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

«چنانچه اجرای با حسن نیت قراردادهای در کلیه‌ی قواعد بین‌المللی کشورها از جمله ایران به نداشتن سوء نیت تعبیر شود اثر چندانی بر این اصل مترتب نمی‌شود. چراکه در بسیاری از قراردادهای نداشتن سوء نیت تأثیری در نتیجه‌ی اجرای تعهد نخواهد داشت. به‌عنوان مثال بود و نبود سوء نیت در خریدار یا فروشنده‌ای که به‌لحاظ اجرای عقد بیع، مکلف به پرداخت ثمن معامله یا تسلیم مبیع می‌باشند تأثیری در نتیجه‌ی اجرا (تأدیة ثمن و تسلیم مبیع) نخواهد داشت. هم‌چنین است سوء نیت یا حسن نیت موجر و مستأجر که با التزام به عقد اجاره مکلف به تحویل عین مستأجره و تأدیة مال الاجاره‌اند. لذا اظهار نظر بر اینکه «حسن نیت در قراردادهای به این معنی است... که طرفین قرارداد قصد حيله و نیرنگ نداشته باشند، نمی‌تواند مبین حقیقت رعایت اصل حسن نیت در اجرای قراردادهای باشد. زیرا، چنانکه گفته شد، معیار در بررسی وجود یا عدم حسن نیت در اجرای قراردادهای رفتار طرفین قرارداد است و نه قصد و اندیشه آنان».

نقطه‌قوت این پژوهش در آن است که نگارنده اصل حسن نیت را در قراردادهای تجاری بین‌المللی به گونه‌ی تطبیقی مورد بررسی قرار داده و بر خلاف دو اثر پیشین که فوقاً به آن‌ها اشاره گردید این اصل را در قراردادهای بین‌المللی ایران نیز مورد توجه قرار داده است و به‌لحاظ بررسی تطبیقی میان حقوق ایران با حقوق کشورهای اروپایی منبع مفیدی برای شناسایی مشابهت‌ها و تمایزات میان حقوق ایران و حقوق کشورهای اروپایی در زمینه اصل حسن نیت و رعایت آن می‌باشد. با این حال نگارندگان حاضر بر آن است که فارغ از وجود و رعایت این اصل در حقوق

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۳. موارد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی بوده و از روش کتاب-خانه‌ای استفاده شده است.

۴. یافته‌ها

در این مقاله مشاهده می‌گردد اگرچه حسن نیت با تحمیل برخی تعهدات به طرفین معاهده، گسترش دامنه محتوای معاهدات را ممکن می‌سازد؛ اما این مفهوم به دادگاه اجازه معرفی تعهداتی را بیش از تعهدات شناخته‌شده در آن دسته از معاهده را نمی‌دهد. با شناسایی چگونگی حسن نیت در معاهدات، تفاوت بین نقش آن و مفهوم عدالت و انصاف روشن می‌شود. اگرچه هر دو مفهوم امکان دخالت دادگاه در گسترش تعهدات قراردادی را فراهم می‌کنند؛ اما این مفهوم به دادگاه اجازه معرفی تعهداتی فراتر از تعهدات شناخته‌شده در آن دسته از معاهدات را نمی‌دهد.

۵. بحث

در این قسمت مبانی نظری پژوهش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۱. تفسیر حقوقی و صادقانه از حسن نیت در

مرحله اجرای معاهدات بین‌المللی

اگرچه اکثر نظام‌های حقوقی به حسن نیت در اجرای معاهده اشاره دارند؛ اما تعریف دقیقی از آن در قوانین وجود ندارد. برخی حقوق‌دانان اجرای قرارداد با حسن

نیت را به این صورت تعریف کرده‌اند: متعهد باید تمام تعهدات ناشی از معاهده را صادقانه و دقیق و از روی اعتقاد انجام بدهد و مشکلات و موانعی که ممکن است در روند اجرایی معاهده حادث شود؛ مانع از اجرای معاهده نخواهد بود. به عبارت دیگر هر متعهدی باید در اجرای تعهداتش همانند «پدر خانواده» رفتار کند. تنها در شرایط حوادث خارجی (قوه قاهره) و حوادث داخلی غیرقابل پیش‌بینی و اجتناب‌ناپذیر، می‌توان از اجرای معاهده معاف شد.

۵-۲. جلوه‌های حسن نیت در ارتباط با تعهدات

اصلی متعهد و متعهدله

مفهوم حسن نیت در معاهدات بین‌المللی یک مفهوم چندبعدی است که تعریف جامعی از آن ارائه نشده است. برای ارائه دقیق و صادقانه یک معاهده، نشان-دهنده وجود حسن نیت است. در هر مورد، تشخیص انطباق یا عدم انطباق رفتار متعهد با حسن نیت، وظیفه قاضی است و ارائه یک تعریف دقیق که همه موارد را در بر بگیرد، با چالش مواجه است. بنابراین، حسن نیت در معاهدات بین‌المللی یک مفهوم پیچیده است که تعریف جامع و مانع آن چالش-برانگیز می‌باشد و قضاوت در مورد انطباق رفتار با آن نیز بر عهده قاضی است (جعفرزاده و سیمایی صراف، ۱۳۸۴، ۲۳۸-۱۲۵). در این بند جلوه‌های حسن نیت در ارتباط با تعهدات اصلی طرفین از جمله پایبندی به قرارداد و اجرای آن، بعد سلبی و ایجابی، تعهد همکاری را مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد.

تعهد به درست‌کاری و صداقت در قرارداد، مستلزم آن است که طرفین با حسن نیت تمام تلاش خود را برای تحقق اهداف معاهده به کار گیرند. این تعهد در

ماده (۵-۲) اصول معاهدات در این خصوص مقرر می‌دارد که: «در صورتی که برای انجام تعهدات طرف دیگر انجام همکاری به‌طور معقول و متعارف قابل انتظار باشد، هر طرف باید با طرف دیگر همکاری کند». فرضاً بازیگر قراردادی موظف است به منظور ایفای نقش خود به نحو مطلوب، همکاری کمتری با کارگزاران داشته و تمرینات لازم را انجام دهد. این امر ناشی از حسن نیت وی در قبال قرارداد منعقد شده است (درودیان، ۱۳۷۸، ۱۷۲).

۵-۲-۳. واکاوی حسن نیت و تعهدات ضمنی

معاهدات و قراردادهای علاوه بر تعهدات اصلی، برخی تعهدات فرعی و تبعی را نیز بر عهده طرفین قرار می‌دهند. این تعهدات فرعی معمولاً در راستای تعهدات اصلی بوده و به طرفین تحمیل می‌شوند. اصول معاهدات و اصول اروپایی معاهدات به صراحت به این موضوع پرداخته‌اند. تعهدات ضمنی، به تفکیک صریح و ضمنی، و ارتباط آن با حسن نیت و معامله منصفانه، در ماده (۵-۲) بررسی شده است. طبق این ماده، تعهدات ضمنی از موارد زیر منشأ می‌گیرند: ماهیت و مقصود معاهده، رویه‌های برقرار شده بین طرفین و عرف‌های تجاری، حسن نیت و معامله منصفانه و معقول و متعارف بودن.

۵-۲-۴. تسلیم توابع ضروری مورد معامله

بایع باید مبیع را به همراه تمامی توابع ضروری و جدانشدنی برای بهره‌برداری مطلوب به مشتری تحویل دهد. همچنین، در صورت اجاره، موجر باید مورد اجاره را به خوبی در اختیار مستأجر قرار داده و تمامی امکانات لازم برای استفاده مطلوب از آن را فراهم نماید (علیزاده، ۱۳۸۴، ۱۶).

نظام حقوقی فرانسه شناخته شده است و هر دو طرف متعهد به رعایت آن می‌باشند.

۵-۲-۱. بررسی بعد سلبی در حسن نیت

تعهد به حسن نیت در اجرای قراردادها یک اصل مهم است. طرفین قرارداد باید از هر اقدامی که باعث محروم شدن طرف مقابل از منافع عادی قرارداد شود، اجتناب ورزند. همچنین، حسن نیت طرفین را از انجام هر اقدامی که باعث غیر ممکن شدن اجرای تعهد شود، باز می‌دارد. به‌عنوان مثال، در صورتی که فروشنده با مداخله در معامله و انجام آن، مانع تحقق معامله توسط دلال شود، چنین رفتاری به‌عنوان سوءنیت تلقی شده و فروشنده ملزم به جبران خسارت خواهد بود (باریکلو و خزایی، ۱۳۹۰، ۸۷).

۵-۲-۲. بررسی بعد ایجابی در حسن نیت

حسن نیت در قراردادهای دارای دو بعد است: بعد سلبی و بعد ایجابی. این دو بعد تحت عنوان «تعهد همکاری» ارائه می‌شوند. در برخی آراء، این دو بعد به روشنی بیان شده‌اند. طرف قرارداد نه تنها باید مانع از اجرای تعهد طرف مقابل نشود؛ بلکه باید تمام اقدامات لازم را برای تحقق تعهد وی انجام دهد. این نوع همکاری فعال و مؤثر طرفین در راستای اجرای قرارداد، جلوه‌ای از حسن نیت است که در اکثر نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است. تعهد به همکاری یکی از دو وجه تعهدات در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (وین) است، اگرچه تفسیر ماده ۷ این کنوانسیون دارای ابهام است. تعهد همکاری همچنین در آرای مربوط به معاهدات پذیرفته شده است (درودیان، ۱۳۷۸، ۱۷۲).

۵-۲-۵. تعهد به دادن اطلاعات

در فرآیند اجرای معاهده، طرفین ملزم به ارائه اطلاعات هستند و این یکی از تعهدات ضمنی مهم است. این تعهد به یک قلمرو خاص محدود نمی‌شود. بلکه جلوه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد که به ذکر مصادیق آن خواهیم پرداخت. «الف- تولیدکننده یا فروشنده ملزم به دادن اطلاعات در خصوص نحوه استفاده از کالای مورد معامله و خطراتی است که استفاده از آن ممکن است به بار آورد. ب- اگر در اجرای معاهده خطر یا صدمه‌ای برای اشخاص یا اموال وجود دارد؛ طرف معاهده باید آن را به اطلاع طرف دیگر برساند. ج- طرفین باید یکدیگر را از تمام اطلاعاتی که برای اجرای کامل و بی‌دردر معاهده لازم است، مطلع سازند (بند ۱ ماده ۳۱ کنوانسیون)» (همان).

طبق بند ۲ ماده ۲۲ کنوانسیون، اگر یکی از طرفین معاهده پیش‌بینی کند که طرف دیگر به‌طور اصولی آن را نقض خواهد کرد، آن طرف حق دارد توافق را لغو کند. در این حالت، طرف مذکور باید قصد خود برای اجتناب از معاهده را به منظور ایجاد فرصت برای طرف دیگر به منظور تضمین اجرای قرارداد، به طرف دیگر اطلاع دهد. این اقدام از تلاش‌های بدخواهانه برای فریب طرف دیگر از طریق اعلان نهایی و ناگهانی لغو معاهده جلوگیری می‌کند (علیزاده، ۱۳۸۴، ۱۴).

۵-۲-۶. حسن نیت و رفتار متناقض

حسن نیت، به‌عنوان یک اصل اخلاقی و حقوقی، از انجام هر گونه عمل یا بیان مغایر در جریان توافقات بین‌المللی جلوگیری می‌کند. در نتیجه اگر یک طرف

در یک توافق بین‌المللی، خلاف آنچه پیش‌تر گفته یا انجام داده، رفتار کند. این عمل مغایر با حسن نیت تلقی شده و از استفاده او از حقوق معمول خود جلوگیری می‌کند (صالحی‌راد، ۳۸۷، ۸۸).

ماده (۲-۱۸) از اصول معاهدات که به محدودیت‌های اصلاحات کتبی می‌پردازد، نمونه‌ای از این اصل است. بخش اول این ماده، به طرفین اجازه می‌دهد تا شرایط اصلاح یا فسخ معاهده را به‌صورت آزادانه تعیین کنند که این توافق به‌طور کلی باید رعایت شود. قسمت دوم ماده (۲-۱۸) به این امر پرداخته که: «... و با وجود این، براساس رفتار یک طرف می‌توان او را از استناد به چنین قیدی (منظور رفتار و گفتار متناقض) محدود ساخت و متعاملین آن هم به میزانی که طرف دیگر با اتکا بر چنین رفتاری اقدام کرده است».

۵-۲-۷. حسن نیت و کنترل حقوق و اختیارات

در برخی موارد، حق و اختیار عمل توسط حسن نیت کنترل می‌شود که طبق معاهده یا قانون به یک یا هر دو طرف داده شده است.

«الف و ب قراردادی منعقد می‌کنند که در آن تعیین برخی از شروط معاهده چون ثمن، مقدار و... منوط به نظر و صلاحدید یکی از طرفین می‌شود. یا قراردادی منعقد می‌شود که در آن شرط شده است که پذیرش منوط به رضایت طرف دیگر است که در آن به‌عنوان «شرط رضایت» تعبیر می‌شود برای مثال، در قرارداد فروش پیمان، شرط می‌شود که پذیرش پیمانوی تحویل داده‌شده از سوی فروشنده، منوط به رضایت خریدار خواهد بود» (اشمیتوف، ۱۳۷۸، ۴۴). در هر حالت، یکی از طرف‌ها این قابلیت

درونی دشوار است، دادگاه‌ها می‌کوشند با استناد به شواهد بیرونی، قصد فرد را تشخیص دهند (جعفرزاده و سیمایی، ۱۳۸۴، ۴۱).

۳-۵. نقش اصل حسن نیت در اجرای بخش اساسی معاهده

متعهد عادتاً نمی‌تواند بخشی از معاهده را اجرا کند، مگر اینکه معاهده یا قانون مربوطه اجازه دهد. بنابراین، متعهد می‌تواند اجرای جزئی معاهده را رد کند بدون اینکه مسئولیتی به او وارد شود. این قاعده از قبل در قوانین مختلف تعریف شده است.

حسن نیت به‌عنوان یک اصل کلی، قواعد حقوقی را تنظیم می‌کند و در صورت لزوم آن‌ها را تعدیل می‌کند. یکی از موارد مورد بحث، اعمال ضرر غیر معقول و غیر ضروری به متعهد در فرض حسن نیت است. بدون اینکه نفع قابل توجهی از اجرای قاعده به متعهد برسد (حبیبی، ۱۳۸۹، ۸۹).

پاسخ حقوقی در این خصوص مشابه است و عبارت است از عدم اجازه خریدار برای عدم پذیرش کالاهای تحویل‌شده. در حقوق آمریکا، خریدار در صورت اجرای ناقص قسمت اساسی معاهده می‌تواند از پذیرش آن امتناع کند. اما شخصی که قسمت اساسی معاهده را انجام داده، بر اساس معاهده مستحق جبران خسارت است (مهراب‌پور، ۱۳۷۴، ۲۲۱). این دکتترین به اجرای قسمت اساسی معاهده معروف است و به هر حال، عدم اجرای کامل معاهده ناشی از سوء نیت نبوده و به بیان دیگر، ناشی از اشتباه یا بی‌توجهی شخص است و نه به‌صورت عمدی و غیر آگاهانه. در این صورت، شخص بر اساس معاهده مستحق جبران خسارت است که در هر صورت کمتر

را دارد که نسبت به بخشی از شروط قرارداد بین‌المللی قضاوت کند. این قابلیت قضاوت با توجه به آزادی عملی که فراهم می‌آورد، به آن طرف اجازه می‌دهد تا به‌صورت آزادانه در مورد موضوع تصمیم‌گیری کند (صاحبی، ۱۳۷۶، ص ۱۶۲).

ماده (۲-۳۰۵) قانون مزبور این موضوع را در بحث ثمن شناور مورد توجه قرار داده است. به موجب بند ۲ این ماده «طرفین می‌توانند حتی در مواردی که ثمن معاهده مسلم نگردیده اقدام به انعقاد معاهده نمایند». بند ۲ این ماده مقرر می‌دارد که: «ثمن مذکور باید به هر حال چه در زمان انعقاد معاهده و چه مواقعی که تعیین آن با توافق بعدی طرفین یا ثالث واگذار شده با حسن نیت تعیین گردد» (داراب-پور، ۱۳۷۷، ۲۴۱).

استفاده از قدرت و اختیار به منظور کسب منافع ناعادلانه، اغلب در موقعیت‌هایی که شرایط بر پایه «رضایت» استوار است، رخ می‌دهد. مثلاً در قراردادهای اجاره، شرطی وجود دارد که اجاره‌نشین نمی‌تواند بدون رضایت صاحبخانه، ملک را به دیگری اجاره دهد. خودداری از اعطای رضایت با نیت آزار رساندن به اجاره‌نشین یا به دست آوردن منافع ناعادلانه از او مانند افزایش اجاره‌بها یا درخواست مبلغ اضافی برای دادن رضایت، نشان‌دهنده بدعت است (جعفرزاده و سیمایی، ۱۳۸۴، ۱۹).

در مورد دوم، به کار بردن اختیار بدون دلیل معتبر یا به دلایلی که به موضوع مربوط نیستند، مطرح می‌شود. این امر در شرایطی که قراردادها شامل «شرط رضایت» هستند، اهمیت پیدا می‌کند. در اینجا، تمرکز بر نیت و انگیزه فرد دارنده حق در استفاده از اختیارش است. با وجود اینکه اثبات نیت

۵-۵. خاتمه دادن به معاهده به‌عنوان حق و اختیار معاهداتی قانونی

در برخی حالات، خاتمه دادن به یک معاهده به‌عنوان یک اختیار ظاهر می‌شود که برای یکی از طرفین مفید است، بدون اینکه به تخلف یا عدم انجام تعهد مرتبط باشد. مثالی از این نوع معاهدات، معاهداتی با مدت زمان نامعلوم است که هر طرف می‌تواند در هر زمانی آن را خاتمه دهد. آزادی به پایان دادن به رابطه حقوقی به معنای آزادی مطلق در اعمال حق نیست، بلکه این اختیار باید با رعایت حسن نیت و معامله منصفانه و با ارسال اخطار معمولی انجام شود. مدت این اخطار با توجه به نحوه ارتباط طرفین تعیین می‌شود. بنابراین، کارفرما نمی‌تواند بدون دلیل موجه و بدون ارسال اخطار معمولی، رابطه قراردادی را خاتمه دهد.

در برخی موارد، طرفین در معاهده شرطی قرار می‌دهند که با تحقق آن شرط، رابطه حقوقی به خودی خود خاتمه می‌یابد بدون اینکه نیازی به اعلام اراده طرفین باشد. این شرط که شرط فاسخ نامیده می‌شود، ممکن است با توافق طرفین به ارسال اخطار انجام تعهد توسط طرف متعهد مشروط شود. در این حالت، اثر حقوقی شرط فاسخ به رعایت حسن نیت در ارسال اخطار انجام تعهد بستگی دارد. بنابراین، اگر طرف متعهد در توسل به اخطار، حسن نیت را رعایت نکند، مثلاً اخطار را در زمانی ارسال کند که می‌داند نمی‌تواند به آن به نحو مناسبی پاسخ دهد.

علی‌رغم ادعاهای برخی، حقوق و اختیارات ارتباطی با مسئله حسن نیت در ضمانت اجرا مرتبط نیستند (صالحی، ۸۹). به‌جای آن، این اختیارات باید

از قیمت قراردادی است. چراکه خواهان، معاهده را به‌طور کامل اجرا نکرده است؛ ولی در صورتی که کوتاهی در عدم اجرای کامل معاهده همراه با سوء نیت بوده باشد، شخصی که نه بر مبنای معاهده؛ بلکه بر مبنای اجرت‌المثل یعنی ارزش متعارف، نفعی داده، مستحق جبران خواهد بود.

۵-۴. حسن نیت در توسل به ضمانت اجرا در مرحله اجرای قراردادهای بین‌المللی

استفاده از ضمانت اجرا در قراردادها و قوانین باید با رعایت حسن نیت صورت گیرد. در قوانین معاهدات بین‌المللی و قراردادهای دوجانبه، همواره ضمانت اجرا برای عدم اجرای تعهدات قراردادی در نظر گرفته می‌شود. با تحقق شرایط، ذی‌نفعان می‌توانند حقوق قانونی و قراردادی خود را با استفاده از ضمانت اجرا به دست آورند. با این حال، استفاده از این حقوق باید با رعایت حسن نیت و توجه به منافع طرف مقابل صورت گیرد تا اهداف واقعی ضمانت اجرا تحقق یابد و از سوء استفاده، بهره‌برداری غیر منصفانه، بی‌مبالاتی، بی‌توجهی به دیگران و تحمیل هزینه‌های غیر ضروری جلوگیری شود (اسکینی، ۱۳۹۹، ۳۹).

ضرورت رعایت حسن نیت در استفاده از ضمانت اجرا در برخی قوانین بین‌المللی آشکار است. ماده ۲۰۳-۱ قانون تجارت چندجانبه آمریکا بیان می‌کند: «هر معاهده یا الزام مندرج در این قانون، یک تعهد حسن نیت در اجرا و اعمال آن را به طرفین تحمیل می‌کند». در صورتی که در قوانین مربوطه این ضمانت ذکر نشده باشد، این ضرورت بر اساس اصل کلی حسن نیت یا مفاهیم مرتبط نظیر سوء استفاده از حق تشخیصی تعبیر می‌شود (همان).

ایران که الزام به اجرای تعهد و فسخ قرارداد در طول یکدیگرند، در اسناد بین‌المللی حق الزام به اجرای تعهد و حق خاتمه دادن به قرارداد در عرض یکدیگر هستند یعنی متعهدله در توسل به هر یک مخیر بوده و برای پایان دادن به قرارداد نیازی به تقاضای قبلی مبنی بر الزام متعهد به اجرای تعهد ندارد.

۵-۶. قلمرو حسن نیت در تفسیر قراردادهای بین‌المللی

تفسیر در لغت به معنی آشکار ساختن و در اصطلاح حقوقی عبارت است از: «تشخیص ماهیت و مفاد و طرفهای معاهده براساس اراده مشترک انشاء کنندگان آن و مقررات قانونی» (شهیدی، ۱۴۰۱، ۹۳). می‌دانیم که محور اصلی تفسیر معاهداتی بین‌المللی قصد مشترک طرفین است و عوامل گوناگونی در تعیین قصد مشترک طرفین و تفسیر معاهده‌های بین‌المللی مؤثر هستند. لذا در این مبحث قانون حاکم بر اساس اصل حاکمیت اراده و تفسیر قراردادهای بین‌المللی براساس قواعد حقوقی و عرفی و حسن نیت را مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد.

۵-۶-۱. تعیین قانون حاکم بر قراردادهای بین‌المللی

معاهده برای قاضی الزام‌آور است و اگر طرفین ملزم به اجرای معاهده باشند، این الزام محدود به آنچه خود اراده کرده‌اند است. در تفسیر قراردادهای بین‌المللی، قضات از معیارهای مختلفی استفاده می‌کنند که انتخاب هر کدام از این مکاتب تفسیری می‌تواند تأثیر مهمی در سرنوشت قرارداد داشته باشد. در حقوق فرانسه، این مسئله بحث می‌شود که آیا تفسیر قرارداد موضوعی است یا حکمی؟ در حقوق کشورمان

مطابق با هر معاهده‌ای که به آن پایان دهند، محدود شوند. این حق مانند سایر اختیارات، به رعایت الزامات اجتماعی حسن نیت محدود است تا بدون تخلف از حقوق دیگران از آن استفاده شود.

از اصولی که حقوق دار در اعمال ضمانت اجرا بهره‌مند است، آزادی است و نمی‌توان آن را محدود کرد. اما در برخی موارد، دارنده حق هیچ نفع مشروع و معقولی در اعمال ضمانت اجرا ندارد. در این صورت، حسن نیت با مانع شدن از استناد به ضمانت اجرا، به برقراری ثبات و امنیت در روابط حقوقی کمک می‌کند و از هرگونه سوءنیت و سوءاستفاده در اعمال حقوقی جلوگیری می‌کند (صالحی‌راد، همان، ۸۹).

ماده (۳-۱۳) اصول معاهدات در این خصوص بیان می‌دارد که: «۱- اگر یکی از طرف‌های معاهده به دلیل اشتباه، حق ابطال معاهده را داشته باشد؛ اما طرف دیگر اعلام کند که می‌خواهد معاهده را به همان صورتی که دارنده حق ابطال آن را می‌فهمد اجرا شود یا خود آن را به همان صورت اجرا کند، چنین تلقی می‌شد که معاهده به همان نحوی که طرف اول آن را می‌فهمد منعقد شده است و طرف دیگر باید بلافاصله بعد از اطلاع از نحوه تلقی معاهده از سوی دارنده، حق ابطال و قبل از آن که طرف مزبور بر مبنای اخطار ابطال اقدامی کرده باشد، اعلام اجرا بر طبق تلقی طرف اول یا اجرای مورد نظر را عملی سازد. ۲- پس از اعلام یا اجرای مزبور، حق ابطال از میان می‌رود و همین‌طور اخطار ابطال، قبل از آن فاقد اثر قانونی می‌شود. به نظر نگارندگان خاتمه دادن به قرارداد یکی از راه‌های جبران خسارت یا ضمانت اجرای تخلف از مفاد قرارداد است که متعهدله می‌تواند به آن استناد کند. برخلاف حقوق

این زمینه دارد یا حداقل فرض می‌شود که باید چنین باشد. در معاهدات بین‌المللی در نگاه اول، اگر قانون حاکم از پیش تعیین نشده باشد یا مقررات معاهده در این خصوص ناقص یا مبهم باشد، از روش حل تعارض در حقوق خصوصی استفاده می‌شود. در این معاهدات که به‌طور معمول بین یک دولت و یک شرکت خارجی منعقد می‌شوند، قانون حاکم بر اساس اصول حقوق بین‌الملل خصوصی انتخاب می‌شود.

مفهوم این اصل این است که داوران تنها در صورت عدم توافق یا وجود ابهام در توافق طرفین می‌توانند با استفاده از روش‌های حل تعارض قانون مناسب معاهده را تعیین کنند. کنوانسیون رم نیز در ماده ۳ به اصل حاکمیت اراده در انتخاب قانون حاکم بر معاهده اشاره می‌کند و ماده ۴ معاهده فقط در صورت عدم وجود چنین انتخابی ابزاری را برای انتخاب قانون حاکم پیش‌بینی می‌کند. این مسئله در داوری‌های بین‌المللی معاهدات بیان می‌شود. توسل به این اصل هم برای حاکمیت یک قانون ملی که به‌طور معمول قانون کشور میزبان سرمایه‌گذاری است و هم برای حاکمیت قواعد دیگر حقوقی استفاده می‌شود. آقای دوپوی در رأی تگزاکو این موضوع را به این شکل مطرح می‌کند: «امروزه در نتیجه توافق طرفین، قانون ملی بر معاهده حاکم می‌شود و نه بر اساس اینکه این قانون ارجحیت دارد یا آنکه به‌طور خودکار بر این معاهدات حاکمیت می‌نماید» (لیویون، ۱۳۸۶، ۱۳۹).

دولت و طرف قرارداد در اجرای حاکمیت اراده در این مورد مستقل عمل می‌کنند و دولت ملزم نیست در روابط خود با شرکت خارجی قانون خود را به‌عنوان قانون حاکم تعیین کند. نتیجه این عقیده این است

نیز تصریح شده است که اگر در دعوایی که از قرارداد ناشی شده است، به مفاد صریح سند و یا قانون و آئین‌نامه مربوط به آن قرارداد معنی دیگری داده شود، حکم یا قرارداد در آن خصوص نقض می‌شود. در حقوق نوشته نیز اراده طرفین قرارداد به‌صورت جداگانه مد نظر قرار نمی‌گیرد؛ بلکه در تفسیر باید معنای آن رفتار نزد طرف مقابل مبنای تفسیر قرار گیرد. این مفهوم همان است که در ماده ۲۲۴ قانون مدنی ایران منعکس شده است که اظهار می‌دارد: الفاظ قراردادهای معمول است بر معنای عرفیه. این تفسیر منطقی اراده و رفتار طرفین را در فضای توافقی تفسیر می‌کند و شروط ضروری را به معنای معمول آن‌ها در نظر می‌گیرد. نقش نظام حقوقی تنها پیش‌بینی قواعد تکمیلی نیست؛ بلکه در اکثر موارد، دولت‌ها با دخالت در اراده طرفین، قوانین خاصی را بر آن‌ها وضع می‌کنند که از آن به‌عنوان «قواعد تکلیفی» یاد می‌شود و در نتیجه قانون از آن یاد می‌شود. باید این نوع نگرش را در قرارداد گنجانند. بنابراین این نوع نگرش نقش مهمی در تعیین سرنوشت قراردادهای بین‌المللی ایفا می‌کند (شریعت باقری، ۱۳۹۱، ۱۴۰).

۵-۶-۲. تعیین قانون حاکم بر اساس اصل حاکمیت اراده

عموماً، در معاهدات بین‌المللی، طرفین به‌طور معمول در یکی از مفاد معاهده به انتخاب نظام حقوقی حاکم بر معاهده می‌پردازند و انتخاب این قانون به‌طور معمول بستگی به ملیت طرفین معاهده بین‌المللی دارد. اگر یکی از کشورهای طرف معاهده قانون حاکم بر معاهده را انتخاب کند، این مزیت را دارد که یکی از طرفین معاهده اطلاعات بیشتری در

مفاد بند (۱) ماده ۴۲ کنوانسیون حل اختلاف راجع به سرمایه‌گذاری ۱۹۶۶ واشنگتن مقرر می‌دارد که: «دادگاه دربارهٔ اختلاف بر طبق قواعد حقوقی که طرفین پذیرفت‌اند، حکم خواهد کرد. در صورت عدم توافق طرفین، دادگاه حقوق دولت طرف معاهده را که طرف دعوی نیز می‌باشد از جمله قواعد مربوط به حل تعارض و همچنین اصول حقوق بین‌الملل را در آن زمینه اجرا خواهد کرد».

در نتیجه به نظر می‌رسد در مورد قانون حاکم بر معاهداتی که توسط دولت منعقد می‌شود، دولت تلاش می‌کند که قانون ملی خود را به‌عنوان قانون حاکم بر معاهده معرفی کند. زیرا معاهداتی سرمایه-گذاری (بین‌المللی) روابط بسیار عمیقی با قوانین کشور منعقدکننده معاهده دارد.

۵-۷. آثار اجرای با حسن نیت معاهدات

در حقوق اروپایی، اصل حسن نیت اصلی بر اجرای معاهدات است. این اصل در قانون مدنی فرانسه نیز تأیید شده است. اصل حسن نیت در حقوق موضوعه این کشور نقش مهمی در اجرای معاهدات و روابط معاهده‌ای دارد. قوانین مدنی فرانسه در مرحله انعقاد معاهدات به این اصل اشاره نمی‌کند؛ اما رویه قضایی با گسترش دامنه حکومت بند ۳ ماده مذکور در این مرحله، حسن نیت را به عنوان معیار بررسی رضایت طرفین معاهده تعیین کرده است. همچنین، اصل حسن نیت در نحوه انحلال عقود نیز لازم است. مرحله مهم دیگری که حسن نیت در آن دخالت دارد، مرحله اجرای معاهده است. در این مرحله، حسن نیت اساس مبنای تعهدات طرفین معاهده و مسئولیت آن‌ها است. قانون مدنی ایران به صراحت از رعایت اصل حسن نیت در اجرای معاهدات سخن

که نقش دولت به‌عنوان یک بازیگر حقوق بین‌الملل نمی‌تواند به‌عنوان معیاری برای انتخاب قانون حاکم بر معاهده باشد. سؤالی که دربارهٔ قلمرو اصل حاکمیت اراده وجود دارد این است که آیا معاهده به‌عنوان یک نظم حقوقی مستقل و منحصر بر روابط بین طرفین حکم فرماست. نظریه‌ای که به این پرسش پاسخ مثبت می‌دهد به اندازه کافی شناخته شده است. بر اساس این نظر، معاهداتی بین دولت‌ها و شرکت‌های خارجی مانع اجرای بخشی از قوانین داخلی آن دولت می‌شوند؛ زیرا دارای ماهیتی فرادولتی هستند. از طرفی، تابع حقوق بین‌الملل نیز نیست؛ زیرا توافقات معاهده‌ای بین دولت‌ها نیست. بنابراین معاهده در این فرض منبع منحصر حقوق و تعهدات طرفین است.

۵-۶-۳. نقش قانون دولت طرف معاهده بین-

المللی

بعضی از افراد باور دارند که در این حالت، مشابه قراردادهای بین افراد خصوصی، هیچ فرضی برای اجرای قانون توسط دولت طرف قرارداد وجود ندارد. این نظریه با تصمیم دیوان بین‌المللی دائمی در مورد بدهی صربستان مورد توجه قرار گرفته است. اما به نظر نگارنده، این نظر با واقعیت‌های تجارت بین‌المللی سازگار نیست، زیرا در مواردی که قانون حاکم بر قرارداد تعیین نشده است، حقوق دولت میزبان نقش مهمی در تعیین قانون حاکم بر قرارداد دارد که اغلب منجر به اجرای قانون آن دولت می‌شود. این نتیجه تنها به دلیل اجرای اصل مشهور حقوق بین‌الملل خصوصی که همان قانون محل اجرای قرارداد است، به دست می‌آید.

حسن نیت در اجرای قراردادها به معنای کشف اراده مشترک طرفین است. به عبارت دیگر، قرارداد باید بر اساس اندیشه و هدف طرفین تفسیر شود. حسن نیت در اجرای قرارداد در اعمال خارجی نشان می‌دهد و نه در اندیشه و اراده. حسن نیت در اجرا به معنای پایبندی به تعهدات است و در صورت بروز وضعیت‌های پیش‌بینی نشده، معافیت از وفای به عهد نیست. رعایت حسن نیت در اجرای قراردادها به رعایت قواعد عقلانی است. متعهد نباید قرارداد را طبق دلخواه اجرا کند؛ بلکه باید معقولانه آن را اجرا کند. حسن نیت نیازمند آگاهی از خطرات احتمالی در اجرای قرارداد است و باید تلاش کند تا قرارداد را از آن محافظت کند. حسن نیت در اجرای قراردادها معیار تعهد به وسیله اعمال لازم برای دستیابی به هدف مورد نظر است و تنها عدم تحقق نتیجه کافی برای اثبات مسئولیت متعهد نیست. هر تعهد، بدون توجه به ماهیت آن، نیازمند دقت در انجام و محافظت از آن در برابر شرایطی است که ممکن است اجرای آن را با خطر مواجه کند. با این حال، اگر طرفین تعهد را به طور صریح مشخص نکنند، متعهد باید تلاش متعارفی را برای دستیابی به هدف مورد انتظار به کار برد که متناسب با سعی قابل قبول انسانی است. با این حال، شخص می‌تواند با اثبات اینکه عدم دستیابی به نتیجه معلول به دلیل خارجی ناقابل انتساب به او است از مسئولیت معاف شود. این رویکرد یک الگوی حسن نیت یا عمل به وجه معروف در اجرای تعهدات است. زیرا این معیار به بررسی انتظار عقلانی درجه احتمال دستیابی به هدف قراردادی می‌پردازد و عمل مبتنی بر حسن نیت عملی است که متعارف و مورد تأیید عرف است. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، برخی از قوانین مانند ماده ۱۱۳۴

نمی‌گوید. این سکوت باعث شده است که برخی از حقوق‌دانان در مباحث مربوط به اثر معاملات و اجرای عقود از این اصل و آثار آن سخنی نگویند. هر کسی که به این مسئله پرداخته است، مفهوم خاصی را برای حسن نیت تعریف کرده و درباره حکومت یا عدم حکومت آن بر معاهدات و نتایج آن نظرهای متفاوتی دارد.

بعضی افراد اظهار نظر کرده‌اند که حسن نیت در حقوق ما قبول نشده است؛ اما مؤلف دیگری حسن نیت را یکی از اصول حاکم بر معاهدات دانسته است (جعفری لنگرودی، ۱۳۴۶، ۱۷۱۶). هم‌چنین، احدی دیگر از حقوق‌دانان حسن نیت را به عنوان اماره‌ای نسبی در تشخیص تعهدات دانسته (عدل، ۱۳۸۸، ۲۵۸) و مؤلف دیگری اثر پنهان این قاعده را در اجرای عقود از مسلمات شمرده است (کاتوزیان، ۱۳۶۸، ۵۲۶) به علاوه، حسن نیت در ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه به عنوان معیاری برای مقایسه رفتار افراد با نمونه معمول رفتار اجتماعی استفاده می‌شود. با تجویز معیارها، قاضی می‌تواند رفتارها و وضعیت‌ها را بر اساس متعارف و معمول و نظام ارزش‌های حاکم ارزیابی و اعمال ضمانت اجرا کند. بنابراین، رعایت حسن نیت به معنای داشتن معهود و عمل به شیوه معمول مردم خردمند است. در اجرای معاهدات نیز، اجرا بر اساس متعارف یا به نحو کلی بر معروف معاهده است و قاضی باید آنچه در اجرای معاهدات متعارف و معمول است را به عنوان جزئی از تعهدات مذکور در معاهده در نظر بگیرد (J. ARNAUD, L.G.D.J., 1993, 43).

۶. نتیجه

گیرند و با توجه به شرایط و وقایع بعدی تفسیر شوند. اجرای معاهدات نیازمند حسن نیت است.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به‌صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

قانون مدنی فرانسه، پس از بیان اصل حاکمیت اراده طرفین تعهد و تأثیر قراردادها درباره آنها، به ضرورت رعایت حسن نیت در اجرای قراردادها اشاره کرده است. اگرچه قانون مدنی ما از رعایت حسن نیت در اجرای معاهدات صحبت نمی‌کند؛ اما در ماده ۲۲۵ قانون مدنی، تکلیف به رعایت متعارف در عرف و عادت بر اجرای عقود حاکم است. در کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی، قوانین منسجمی در مورد حسن نیت در مرحله اجرای معاهدات وجود ندارد؛ اما حسن نیت در اجرای معاهدات می‌تواند توسط طرفین با توجه به شرایط و وقایع بعدی انعقاد معاهده و با لحاظ حسن نیت اجرا شود. بنابراین، شخص ملتزم به معنایی است که شخص متعارف از اظهارات و اعمال وی درک می‌کند. به هر احتمال، حتی اگر قصد باطنی شخص غیر از آن باشد. بنابراین لازم است مواد و مقررات مربوطه اصلاح و بازنگری شوند و یا یک کنوانسیون جدید در حوزه حقوق تجارت بین‌الملل و معاهدات بین‌المللی تصویب شود. بنابراین این‌گونه می‌توان نتیجه گرفت که حسن نیت به‌عنوان یک مفهوم اخلاقی، در اخلاق‌بخشی به حقوق موضوعه کاربرد ویژه‌ای دارد. زیرا حسن نیت نشان‌دهنده جنبه‌ای از اخلاق است که می‌توان آن را به‌عنوان اراده خوب تفسیر کرد. به همین دلیل، در معاهدات بین‌المللی، حسن نیت در زمان انعقاد، اجرا و تفسیر آن‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد. زیرا حسن نیت نه تنها به عنوان یک تعهد قراردادی محسوب می‌شود؛ بلکه به عنوان یک ابزار قابل اعتماد برای شناسایی قصد واقعی متعاقدين و احراز شروط ضمنی تلقی می‌شود. بنابراین، معاهدات بین‌المللی باید در پرتو حسن نیت به‌عنوان یک قاعده عام و فراگیر در مرحله اجرا قرار

منابع

- شهیدی، مهدی، «اصول قراردادهای و تعهدات»، تهران، مجد، ۱۴۰۱.
- شریعت باقری، محمدجواد، «حاکمیت اراده بر قراردادهای بین‌المللی خصوصی، فصلنامه دیدگاه-های حقوق قضایی، دوره هفدهم، شماره ۵۸، شماره پیاپی ۵۸، ۱۳۹۱.
- صاحبی، هدی، «تفسیر قراردادهای در حقوق خصوصی»، تهران، نشر ققنوس، ۱۳۷۶.
- صالحی‌راد، محمد، «حسن نیت در اجرای قراردادهای و آثار آن»، مجله پژوهش‌های حقوقی دادگستری، شماره ۲۶، ۱۳۷۸.
- علیزاده، مهدی، «مبانی اصل حسن نیت و رفتار منصفانه در قراردادهای»، مجله تخصصی الهیات و حقوق، شماره ۱۵، ۱۳۸۴.
- کاتوزیان، ناصر، «قواعد عمومی قراردادهای»، جلد‌های ۲ و ۳ و ۴ و ۵، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۷.
- لیویون، کیم، «تفسیر قراردادهای»، مجله پیام قانون، شماره ۳۱، ۱۳۸۶.
- محسنی، حسن، «اصل حسن نیت در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی»، مجله حقوق تطبیقی، دوره جدید، شماره ۱، ۱۳۸۵.
- اخلاقی، بهروز؛ امام، فرهاد، «اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی»، چاپ دوم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۵.
- اسکینی، ربیعا، «مباحثی از حقوق تجارت بین‌المللی»، تهران، نشر دانش امروز، ۱۳۹۹.
- اشمیتوف، کلایو ام، «حقوق تجارت بین‌الملل»، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۸.
- باریکلو، علیرضا؛ خزایی، سیدعلی، «اصل حسن نیت و پیامدهای آن در دوره پیش قراردادی با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس و فرانسه»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۶، ۱۳۹۰.
- جعفرزاده، میرقاسم و سیمایی، حسین، «حسن نیت در قراردادهای بین‌المللی: قاعده ای فراگیر با حکمی استثنایی»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۴۱، ۱۳۸۴.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق تعهدات، تهران، گنج دانش، ۱۴۰۰.
- جمعی از اساتید دانشگاه حقوق دانشگاه‌های معتبر جهان، «تفسیری بر حقوق بیع بین‌المللی»، ترجمه مه‌راب داراب‌پور، چاپ اول، گنج دانش، ۱۳۷۴.
- حبیبی، محمود، «تفسیر قراردادهای بین‌المللی»، چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۸۹.
- حسین‌آبادی، امیر، «تعدیل اقتصادی در قرارداد»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۲۲، ۱۳۶۷.
- داراب‌پور، مه‌راب، «ثمن شناور»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۲۲، ۱۳۷۷.
- درودیان، حسنعلی، «حقوق مدنی»، جلد ۳، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.

لاتین

- Adams, John, Brownsword Roger Understanding Contract Law ,published by sweet&Maxwell Ltd,London, fourth edition,2000.
- Amborise, Colin&H, Capitan “Droit civil Francais , Libraire Dalloz , septieme edition,1932.
- Association Henri Capitant, Vocabulaire Juridique public sous la Direction de Gerad Cornu ,7 eme edition , Paris,1998.
- Auer, Marietta, Good Faith and its German Sources :A Structural Framework for the Good Faith Debate in German Contract Law and under the Uniform Commercial Code , 1.1.m Paper, Harvard 1. School , (2000). Available at : <http://ssrn.com/abstract/2000>.